



کلید واژه‌ها:
حیات، مرگ،
یاد مرگ، گناه، دنیا.

پیش گفتار

همه می‌دانیم که علم و معرفت مقدمه عمل است و از آن‌جا که از مؤمن به خدا، جز عمل صالح پذیرفته نیست، لذا باید علم و معرفتی طلب کنیم که ما را به سوی حق رهنمون سازد. اما نخست باید ببینیم چه عملی که براساس دین باشد، در این دنیا رهگشا تر است؟ و مقدم بر آن، علم دین را از چه منبعی یا منابعی باید دریافت کرد؟

قرآن کریم کتاب آسمانی ما، برای هدایت جهانیان نازل شده است و در کنار آن، ائمه علیهم السلام، مبین و رهنمون کننده به سوی آن هستند و اگرچه سخن ایشان سخن خدا نیست، ولی چون از منبع وحی الهی سرچشمه می‌گیرد، کامل کننده و تفسیرکننده قرآن است. در این میان، بیان مولا علی (ع) بیش از دیگر ائمه به لسان قرآن شبیه است و از این روست که بعضی، نهج البلاغه را اخ‌القرآن یا برادر قرآن لقب داده‌اند. در این کتاب عظیم که مجموعه بیانات حضرت است، معارفی چون خداشناسی، زندگی پیامبران، عقاید و احکام، امامت و خلافت، تاریخ، اجتماع، سیاست، اقتصاد و اخلاق درج است که فراگیری و عمل به آن‌ها، به هر پیرو قرآن و عترت کمک می‌کند تا بهتر به کمالات انسانی و قرب الهی نایل شود. برای نیل به این هدف، در میان این موضوعات، ورود به جهان دیگر یا مرگ را انتخاب و این واقعه همگانی را از دریچه علم الهی و لسان قطب عالم امکان، پیشوای متقین جهان علی (ع)، بررسی کرده‌ایم.

فراگیری مرگ و آماده شدن برای آن

حضرت علی (ع) در خطبه‌ها و حکمت‌های بسیاری، آماده شدن برای مرگ را سفارش کرده و به مردم رهنمود داده‌اند که مرگ همواره در کمین است و فراگیر، پس باید برایش آماده بود. می‌فرماید: «مرگ به تو روی آور است و چه زود دیدار میسر است.» پس لازم است که انسان همواره به یاد مرگ باشد و آن را از یاد نبرد. البته آماده شدن برای مرگ آن نیست که در هر لحظه از شب و روز لفظ مرگ بر لب‌ها باشد، بلکه لازمه رسیدن به آمادگی، داشتن مقدماتی است که امام علی (ع) آن‌ها را بر شمرده است.

اولین نکته، سبکبار بودن است: «سبکبار باشید تا برسید که پیش رفتگان بر یابند و پس ماندگان را می‌یابند. که سبکباری آسایش خیال است: «خود را خرم و سرخوش دارید و با آسانی و سبکباری به سوی مرگ گام بردارید.» در توصیه‌های دیگر، آماده شدن برای مرگ را، حساب و کتاب کارهای خود را داشتن می‌داند که هم عامل بازدارنده است و هم باعث آرامش در لحظه مرگ: «آن که اجل نارسیده ساز خویش برگیرد، سود آن بیند و از مرگ آسیب نپذیرد و آن که تا دم مرگ کوتاهی کند، حاصل کارش خسران است و مرگ او موجب زیان.» از این سخن این گونه برمی‌آید که این یک توصیه نیست، بلکه واقعیتی آشکار است برای آنان که خواهان سعادت هر دو دنیا هستند؛ که هر کس از حساب و کتاب امور زندگی خویش غافل شود، در خسران کامل است.

لحظات نزدیک مرگ و درون قبر

آنچه از مرور کلام آن حضرت در این باب برداشت می‌شود، شامل وصف حالات قبل از مرگ و بعد از مرگ و درون قبر است. ایشان از بیان این کلمات، هدفی را جز ایجاد آمادگی در بندگان و رهنمون آن‌ها به راه نیک و سعادت دنبال نمی‌کند. در واقع با بیم دادن

از سختی لحظه‌های مرگ، خواهان اجرای درست احکام الهی بودند. می‌فرماید، اولین اتفاقاتی که در لحظه‌های نزدیک مرگ می‌افتد، آن است که شخص دریغ می‌خورد؛ دریغ به خاطر انجام ندادن آن‌چه باید در دنیا انجام می‌داده است: «او میان کسالت خاموش به چشمش می‌بیند و به گوشش می‌شنود، با عقل درست می‌اندیشد که در عمرش چه کرده و روزگارش را در چه کار به سر برده است. به یاد مال‌هایی می‌افتد که فراهم کرد و ننگریست که حلال است یا حرام!» هیبت که دریغ سودی ندارد. پس اولین هشدار آن است که در تمام لحظات زندگی خود به آن لحظه بیندیش و برای تک تک لحظه‌های زندگی ات برنامه داشته باش که چه زود دیر می‌شود.

در ادامه، از موقعیت متوفا می‌گوید و این که او در ابتدا موجب ترس همان کسانی است که خود تا لحظاتی قبل با آنان بوده. ثانیه‌ای قبل در کنارشان بود و از او نمی‌ترسیدند و حال که روح از تن وی رفته، مایه اضطراب آنان شده است: «آنان در کنارش ترسان و از نزدیک شدن بدو گریزان. سپس او را به نقطه‌ای از زمین برند و خاکش کنند؛ و با کرده‌اش واگذارند و دیده از دیدار او بردارند.» امام سپس از درون قبر و ناتوانی شخص متوفا می‌گویند و این که هر کاری می‌توانید، تا زنده اید انجام دهید که بعد از مرگ آن چنان می‌شوید که انگار از بدو خلق نشده‌اید: «گویی آنان آبادکننده دنیا نبوده‌اند و گویی همیشه آخرت خانه‌هاشان بوده است.»

ایشان از قبر می‌گویند و این که در آن خانه دائمی، اسرار بر انسان هویدامی‌شود: «او جان‌ها در گرو سنگینی بار گناه، درستی خبرهای غیبی را به یقین دیده و آگاه شده. نه کاری نیک، افزون از آن‌چه کرده‌اند توانند، و نه راهی برای پوشش از لغزش‌هایی که داشته‌اند، دانند.»

در هر حال، با توجه به آن‌چه در بالا عنوان شد، منظور سخن امام از بیان این حالات آن است که انسان را متوجه کند، پس از مرگ، هیچ عملی جز پاسخ‌گویی، از انسان ساخته نیست. پس هر آن‌چه که

ورود به

جهان دیگر در

نهیجه البلاغه

فاطمه ابراهیمی بادی

می توان، باید در لحظه لحظه زنده بودن انجام داد و یاد آن بود که لحظه مرگ هیچ کس معلوم نیست!

بهترین نوع مرگ

قابل توجه است که آن امام همام مرگ را فقط رخت بر بستن از این دنیا تلقی نمی کند، بلکه نوع مردن را نیز مهم می داند و بهترین آن را شهادت عنوان می کند: «همانا بهترین و گرامی ترین مرگها، کشته شدن در راه خداست. سوگند بدان کس که جان پسر ابوطالب در دست اوست، هزار مرتبه ضربت شمشیر خوردن بر من آسان تر است تا در بستر مردن». آری او شهادت را انتخاب می کند. او مردان راه خدا را به مرگ دعوت می کند. «پیش از آن که فرصت از دست برود و مرگ شتاب آورد و گریبان بگیرد، به پیشواز مرگ روید و منتظر آمدنش نشوید». در واقع در این کلام امام، به مرگ اختیاری توصیه می کند. زیرا هر حرکت انسان اگر اجباری باشد، ثوابی نخواهد داشت، ولی اگر اختیاری باشد، مایه رحمت و پاداش خواهد بود. در سایه انتخاب آگاهانه مرگ، مرگ با عزت به دست می آید که امام آن را بهتر از زنده ماندن با ذلت می داند: «خوار گشتن و زنده ماندن تان مردن است و کشته گشتن و پیروز شدن، زنده ماندن» توصیه ای که فرزند گرانقدرش حسین (ع) آن را با تمام وجود به کار بست. آن بزرگوار، حتی از اشتیاق خویش برای مرگ نیز می گوید. بیان می دارد که از مرگ نمی هراسد: «به خدا سوگند، پسر ابوطالب به مرگ انس دارد؛ پیش از انس کودکی به سینه مادرش».

ضرورت یاد مرگ و غفلت نداشتن از آن

امام دوستان خدا را آنان معرفی می کند که همواره یاد مرگ هستند: «دوستان خدا، آنها اجل را نزدیک دیدند و در عمل پیش دستی کردند». در واقع آن که می خواهد دوست خدا باشد، علاوه بر غفلت نوزیدن، باید برای این حقیقت خود را هم آماده کند. آن امام مردم را به پرهیز از «غفلت» توصیه می کند: «دنیا پیش از آخرت مالکتان گردیده و این جهان، آن جهان را از یادتان برده است». پس اگر خواهان آن هستیید که از مرگ غفلت نداشته باشید، نباید آرزوهای بلند پروازانه دنیایی جای آن را در ذهنتان بگیرید و باعث آن شود که خود را جاودانه بینارید و راه را بی پایان.

از دیدگاه امام علی (ع)، از مرگ غافل نشدن اثراتی تربیتی دارد که به آنها اشاره می کنیم:

۱. اولین فایده غفلت نداشتن از مرگ آن است که انسان خود را برای آن آماده می کند و این آمادگی را در رفتار خود هم نشان می دهد: «و پیش از بار آمدنش، برای پذیرایی از آن آماده شوید و تا نیامده است، خود را مهیای آمدنش سازید که پایان کار قیامت است.» و یا در جایی دیگر می فرماید: «هر گاه را دور پنداشت و ناگهان سر رسید. او را بی آرامی و وطنش براند و از جایی که در آن ایمن بود، بر خیزد. آیا ندیدید آنان که آرزوهای دور و دراز در سر داشتند، چگونه خانه هاشان گورستان گردید و گرد آورند گانشان تباه و پریشان؟ نه بر کرده نیک می افزایند و نه عذری توانند خواست از کار زشت و ناخوشایند» می بینیم که امام می گوید، «ناگهان سر رسید». یعنی انسان از زمان مرگ بی اطلاع است. پس مدام باید در حال مراقبت از اعمال خود باشد تا در هر لحظه بتواند پذیرای مرگ باشد.

۲. دومین فایده یاد مرگ آن است که از رذیلت های اخلاقی جلوگیری می کند. «کبر از سر بدر آور و گور خود به یاد آور». پس

یاد مرگ بودن، باعث آن است که در لحظه لغزش، خود را در صحنه پاسخگویی ببینیم و اشتباه نکنیم.

آن امام بزرگوار، بارها گفته است از مرگ اطرافیان خود پند بگیرد که این مردگان هر کدام هشدار می هستند برای غفلت نکردن از مرگ: «گویا مرگ را در دنیا جز بر ما نوشته اند و گویی آن چه از مردگان می بینیم، مسافران اند که به زودی نزد ما بازمی گردند. پس پند هر پند دهنده را فراموش می کنیم و نشانه قهر و بلا و آفت می شویم». این کلام هشدار می است که اگر یاد آن نباشیم، اموری از ما سر می زند که باعث خشم الهی می شویم و لایق بلا و آفت.

۳. در آخر، آن امام بهترین توشه را پرهیزگاری می داند که تمام راحتی در آن خلاصه می شود. چون از صفین بازمی گشت، به گورستان برون کوفه نگریست و فرمود: «ای آرمیدگان خانه های هراسناک، و محل های تپیی و گورهای تاریک، و ای غنودگان در خاک! ای بی کسان، ای تنها خفتگان! ای وحشت زدگان! شما پیش از ما رفتید و ما پی شمایم و به شما رسدگان. اما خانه های تان، دیگران از آن ها آرمیده اند. اما مال های تان، بخش گردیدند و... خبر ما جز این نیست، خبری که نزد شماست چیست؟» سپس به یاران خود نگریست و فرمود: اگر آنان را رخصت می دادند که سخن گویند، شما را خبر می دادند که بهترین توشه ها پرهیزگاری است.

کلام آخر از امام

سرانجام، کلام کوتاهی از خطبه ۲۱ امام را در نهج البلاغه می خوانیم که در عین کوتاهی بسیار پر معنا است: «تَخَفُّوا تَلْخَقُوا: سبکبار باشید تا زودتر برسید». این مهم ترین پیام آن حضرت در باب مردن و راحت مردن و آسوده مردن است! که خاصیت اساسی روان آدمی، پرواز سریع به سوی هدف اعلی زندگی است. پس پر و بال این مرغ پرواز را نبندیم. از این جمله، دو برداشت داریم:

۱) سبکبار بودن یعنی آن که اعمال و رفتارمان را بررسی کنیم تا مانعی برای آسایش و راحتی نداشته باشیم.

۲) باید سبک و رها شویم از قیود، برای رسیدن به آن دسته از کاروانیان که پیش از ما رفته اند. البته منظور تحریک کردن به مرگ نیست، بلکه منظور زودتر و بهتر حاضر شدن در جمع رویه کمال است، زیرا آنان که رفته اند، به کمالی رسیده اند که مادر این دنیا از آن بی بهره ایم. باید اشاره کنیم که از دیدگاه مولا، مرگ پلی است برای انسان، به منظور رفتن از این دنیا به آن دنیا (هر چه سبک تر بهتر) و آن چه مرگ را بد جلوه می دهد، کارها و رفتار ما و برخورد ما با مرگ است. چه، تولد نیز پلی است از یک دنیا به دنیایی دیگر! ولی چون کاری نکرده ای و جوابی نمی دهی، شیرین است و مبارک! اما در مورد مرگ، چون لازم است که پاسخگوی اعمالت باشی، آن را سخت و ناگوار می پنداری. و یادمان باشد که مرگ و زندگی دو روی یک سکه و لازم و ملزوم هم اند که انسان با هر دوی آن ها مفهوم می گیرد.

منابع

۱. نهج البلاغه. ترجمه دکتر سید جعفر شهیدی. سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی. ۱۳۶۸.

۲. تفسیر نهج البلاغه محمد متقی جعفری مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل بیت (ع).

۳. مجموعه ای از چشم انداز علی (شهید و شهادت) طوبی کرمانی، باشگاه اندیشه.

۴. در سایه سار نهج البلاغه. محمد جواد جعفر نژاد، سلسله، قم.

۵. پایگاه اینترنتی تبیان.